

## بررسی حقوق شهروندی بعد از عودت

تهیه و تنظیم: محمد عالم احمدزاده

سرآغاز

حقوق شهروندی به عنوان مفهومی نوین در ادبیات سیاسی و حقوقی کشورها، ریشه در حقوق بشر به عنوان حق طبیعی انسانها دارد. پایمال شدن حق انسان ها، مجازات های غیر انسانی، شکنجه و برده داری همواره از تجربه های تلخ انسانها در طول تاریخ و در مرزهای جغرافیایی مختلف بوده است و مدت ها طول کشید تا حقوق شهروندی و حقوق بشر به عنوان حقوق ذاتی انسان بویژه از سوی دولت ها پذیرفته شود و در مسیر احقاق آن تلاش هایی صورت گیرد. بر این اساس بررسی حقوق شهروندان بعد از عودت به کشور را مورد واکاوی قرار می دهیم که در این جا ابتدا به مفهوم شناسی و حقوق شهروندی در قانون اساسی افغانستان و همچنین بررسی حقوق شهروندان بعد از عودت را مورد توجه قرار داده ایم.

### حقوق شهروندی

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت هایی را به شهروند یادآور می شود که در قانون پیش بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدفها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می توان بعنوان مهمترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. (مجموعه مقالات همایش؛ نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی، ص ۸۰).

در واقع حقوق شهروندی آمیخته ای است از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهرداری است یا به طور کلی قوای حاکم می باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می شود (از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد)

### تقسیم بندی حقوق شهروندان

برخی حقوق شهروندی را در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم بندی می کنند که عبارتست از:

(الف) حوزه شناختی: چارچوب قانون اساسی و مفاهیم مربوط به شهروندی و معانی آنها نظیر میهن پرستی، توسعه تاریخی کشور، ساختار حکومتی، سازمانها و نهادها در سطوح مختلف، فرایندهای سیاسی مانند انتخابات، تقسیم بندی قوای سه گانه، دولت و اقتصاد (نظیر مالیات)، دولت و خدمات اجتماعی و انسان در مقام موجودی اجتماعی و وابسته به دیگران.

(ب) حوزه عاطفی: احترام به دیگران، تساهل و تسامح، اعتقاد به برابری، احترام به قانون و دفاع از میهن، اعتقاد به آزادی افراد، حقوق شهروندان برای ابراز عقاید، تمایل به شرکت در مسائل جاری، درک وابستگی متقابل کشورهای جهان به یکدیگر، احترام به دولت و سنت ملی بدون احساس قوم مداری، احترام به تنوع و علاقه مندی به پیگیری مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطوح ملی و بین المللی.

(ج) حوزه رفتاری: اطاعت از قانون، پرداخت مالیات، مشارکت، استفاده از تفکر منطقی و انتقادی در حل مسائل، برخورداری از تحمل و سعه صدر، پیگیری اخبار و اطلاعات از منابع گوناگون.

حقوق شهروندی را می توان در قالب حقوق مدنی / سیاسی و حقوق اقتصادی / اجتماعی بررسی نمود که برخی از مصادیق آن عبارتند از:

### حقوق مدنی / سیاسی

**منع تبعیض:** بدین معنا که ویژگی‌هایی مانند جنسیت، مذهب و قومیت نباید باعث تبعیض میان افراد شده و آنها را از حقوق خود محروم نماید. این مسأله در قوانین گوناگون متجلی شده که از نمونه‌های مهم آن قانون کار، اجازه تبعیض میان افراد به دلیل جنسیت آنها را نداده و حکم می‌کند حقوق و مزایایی یکسان برای تمامی آنها در نظر گرفته شود.

**حق انتخاب کردن و انتخاب شدن:** حق رأی از این حق شهروندی نشأت گرفته است. البته این حق بدین معنا نیست که معیار و ملاکی قانونی جهت افرادی که صلاحیت رأی دادن دارند و نیز افرادی که می‌توانند کاندیدای مشاغلی خاص شوند وجود ندارد.

**حفظ کرامت انسانی:** کرامت انسانی مفهومی بسیار گسترده دارد که هم در اسناد حقوق بشری و هم در مبانی دینی و مذهبی ما جایگاه قابل توجهی دارد. یکی از مصادیق مهم این مسئله در حقوق جزا، نمود پیدا می‌کند. به طور کلی مبنای مجرم دانستن و دانستن افراد و همچنین میزان مجازاتی که در قبال ارتکاب یک جرم نسبت به فرد اعمال خواهد شد، باید از پیش تعیین شده باشد. در واقع نتیجه و اقتضای حق حفظ کرامت انسانی آن است که فرد بداند در صورت انجام چه عملی و به چه میزانی، مجازات خواهد شد.

**حق گواهی دادن در مراجع رسمی:** فرد فارغ از ویژگی‌هایی نظیر نژاد و مذهب و جنسیت، باید از این حق برخوردار باشد که بتواند در مواقع لزوم در مراجع رسمی نظیر محاکم قضایی، به نفع یا ضرر کسی گواهی بدهد و این گواهی برابر با دیگران توسط دادگاه ارزیابی و اعتبارسنجی شود.

#### **حقوق اقتصادی و اجتماعی**

در این دسته از حقوق نیز مباحث حق برخورداری از فرصتهای برابر شغلی، تأمین حداقلهای موردنیاز زندگی در راستای خوراک، پوشاک و مسکن مناسب، آموزش و پرورش رایگان، حق تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی و ... مطرح می‌شود. (برگرفته از آگاهی حقوق شهروندی)

#### **حقوق شهروندی در قانون اساسی افغانستان**

در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان درباره حقوق شهروندی ماده‌های متعددی آمده است که در یک مرور اجمالی به آنها اشاره می‌کنیم و در بخش دوم مقاله یک تحلیل از حقوق شهروندی بعد از عودت بیان خواهیم نمود.

اما در قانون اساسی ماده بیست و دوم: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.

ماده بیست و سوم: زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد.

ماده بیست و چهارم: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.

ماده بیست و پنجم: براءت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

ماده بیست و ششم: جرم یک عمل شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی‌کند.

ماده بیست و هفتم: هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود، مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هشتم: هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم ، به دولت خارجی سپرده نمی شود، مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد .هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم: تعذیب انسان ممنوع است . هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد .تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده سی ام: اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.

اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.

ماده سی و یکم: هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند . متهم حق دارد به مجرد گرفتاری ، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند، در محکمه حاضر گردد .

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. محرمت مکالمات ، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن ، از هر نوع تعرض مصون می باشد .وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و دوم: مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و سوم: اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند .شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و چهارم: آزادی بیان از تعرض مصون است . هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته ، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید .هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون ، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی ، بپردازد .احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون ، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و پنجم: اتباع افغانستان حق دارند به منظور تامین مقاصد مادی و یامعنوی ، مطابق به احکام قانون ، جمعیتها تاسیس نمایند .اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون ، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه :

مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد، تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد، اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد، وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد .تاسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت ، سمت ، زبان ، و مذهب فقهی جواز ندارد .

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی شود.

ماده سی و ششم: اتباع افغانستان حق دارند برای تامین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح ، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و هفتم: آزادی و محرمت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفن ، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و هشتم: مسکن شخص از تعرض مصون است . هیچ شخص ، به شمول دولت ، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه باصلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است ، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.در مورد جرم مشهود، مامور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه ، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از داخلشدن یا اجرای تفتیش ، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه راحصل نماید.

ماده سی و نهم: هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند. دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده چهلم: ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تامین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

ماده چهل و دوم: هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تادیه کند. هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی شود. اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن، بارعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می گردد. این حکم در مورد اشخاص و موسسات خارجی نیز تطبیق می شود. هر نوع مالیه، محصول و عواید تادیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

ماده چهل و سوم: تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تامین می شود. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام موثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند، فراهم کند. ماده چهل و چهارم: دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سوادی در کشور، پروگرامهای موثر طرح و تطبیق نماید.

ماده چهل و پنجم: دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید. ماده چهل و ششم: تاسیس و اداره موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است.

اتباع افغانستان می توانند به اجازه دولت به تاسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی و سوادآموزی اقدام نمایند. دولت می تواند تاسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد. شرایط شمول در موسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می گردد. ماده چهل و هفتم: دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای موثر طرح می نماید.

دولت حقوق مولف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده موثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

ماده چهل و هشتم: کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

ماده چهل و نهم: تحمیل کار اجباری ممنوع است. سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می باشد. تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.

ماده پنجاهم: دولت مکلف است، به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجراءات خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد. اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.

اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچ گونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند. ماده پنجاه و یکم: هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود، مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند. به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه و دوم: دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین می نماید. دولت تاسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند . دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزشهای ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پنجاه و سوم: دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای بازتوانی معلولین و معیوبین و سهم گیری فعال آنان در جامعه ، مطابق به احکام قانون ، تدابیر لازم اتخاذ می نماید .

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده ، برای کهنسالان ، زنان بی سرپرست ، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

ماده پنجاه و چهارم: خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام ، تدابیر لازم اتخاذ می کند.

ماده پنجاه و پنجم: دفاع از وطن وجیبه تمام اتباع افغانستان است . شرایط اجرای دوره مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه و ششم: پیروی از احکام قانون اساسی ، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه وجیبه تمام مردم افغانستان است . بی خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی شود.

ماده پنجاه و هفتم: دولت حقوق و آزادیهای اتباع خارجی را در افغانستان ، طبق قانون تضمین می کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

ماده پنجاه و هشتم: دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن ، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس می نماید . هر شخص می تواند در صورت نقص حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید . کمیسیون می تواند موارد نقص حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید .

تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه و نهم: هیچ شخص نمی تواند با سوءاستفاده از حقوق و آزادیهای مندرج این قانون اساسی ، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی ، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند.

در شماره بعدی درباره حقوق شهروندی عودت کنندگان به صورت مجزا بحث خواهیم نمود.

منابع

۱. قانون اساسی افغانستان
۲. حوریه وجگانی، حقوق شهروندی چیست
- ۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰
- ۴- محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، ناشر: گنج دانش، ۱۳۸۴.
۵. آگاهی از حقوق شهروندی
۶. مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی». شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶.